

این چه بساطی ست که بر پا شده؟
خانه ی بیمار مهیا شده

مملکت از هر چه هویت تهی
هر چه دروغ است در آن جا شده

اول هر چیز، عرق ریختن
آخر هر چیز، چه حاشا شده!

«من بُدَم آن که سپوزانده ات
خاطره یی بود که رؤیا شده!»

«من بُدَم داد زدم زنده باد
گر که همه خاک به سرها شده»

«من بُدَم داد زدم مرده باد
همچو شعاری مگر انشا شده؟!»

«من که نگفتم که ببین: معجزه!
ماه، امانانه فریبا شده»

«من که فریبده نگفتم سخن
لال شوم گر که دهان وا شده»

«من بُدهٔ باد پی موش بود
خود به خود این وضع من و ما شده»

غصه مرا می کُشد آخر چنین
ویز مگس خوشترین آوا شده

زود به هجرت روم از این دیار
تا همه گویند دلش وا شده!

=====

واشینگتن، ۸ شهریور ۹۴